

قانون برنامه ششم را ابلاغ کرد
اما بند انتخاباتی‌اش را اجرا کرد!

روایت بی‌قانونی روحانی

صفحه ۲

یکشنبه ۱۸ تیر ۱۳۹۶ | ۱۴ شوال ۱۴۳۸ | ۹ جولای ۲۰۱۷ | سال نهم | شماره ۲۲۰۱ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



نیروی دریایی سپاه یک شناور عربستانی را در آب‌های سرزمینی ایران
در خلیج فارس توقیف و ۴ خدمه آن را دستگیر کرد

لنج در برابر لنج

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ | Vol.09 | No.2201 | Sun.Jul.09, 2017 | ISSN:2008-2886

۱۱۷۸ سال و ۲۱۳ روز گذشت

نگاه‌امروز

تکرار یک کارنامه سیاه

■ میکانیل دبانئ

اپیزود اول: خارجی-حیاط ساختمان وزارت کشور روزهای گرم تیرماه ۷۸ است. جمعیت ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفری در اینجا جمع شده‌اند، در اعتراض به حادثه مشکوک شب گذشته در کوی دانشگاه تهران؛ معاون سیاسی-امنیتی وزارت کشور برای سخنرانی بین جمعیت معترض حاضر می‌شود. شاهدان تصور می‌کنند قرار است او همه چیز را آرام و جو را از حالت بحرانی خارج کند اما خطاب به جمعیت معترض می‌گوید: «شما چرا آمده‌اید اینجا؟ شما چرا در وزارت کشور را از جا می‌کنید؟ اینجا که مال شمامست. شما باید جای دیگری بروید و در آنجا را بکنید.»

مصطفی تاجزاده، معاون سیاسی وزارت کشور جمعیت را به سمت جایی دیگر هدایت می‌کرد. او در بلندگوی دستی‌ای که در دست داشت چند بار این موضوع را تکرار کرد که مسیر اعتراض جای دیگری است. رفت‌وآمدهایش در آن روزها به خوابگاه کوی دانشگاه نیز غیرمعمول بود و بعدها معلوم شد آشوب‌های غائله ۷۸ همه از سوی وزارت کشور تقویت می‌شده است!

اپیزود دوم: خارجی- سردر دانشگاه تهران

۱۹ تیر است. جلوی سردر دانشگاه تهران در خیابان انقلاب شلوغ است. عده‌ای صورت خود را پوشانده‌اند و با سنگ با نیروی انتظامی مقابله می‌کنند. برخی سیاسیون که معمم یا غیرمعمم هستند نیز حضور دارند. فردی به نام احمد باطنی- که اصلاً دانشجوی دانشگاه تهران نبود- در راستای طرحی که بخشی از پازل توطئه است و جریان کشته‌سازی را دنبال می‌کند، با در دست گرفتن یک زیرپیراهن آغشته به خون - که بعدها اعتراف کرد در خانه با خون مرغ، زیرپیراهن را رنگی کرده بود- مدعی کشته شدن دوست دانشجوی خود شد. عکسی از او به‌طور گسترده در نشریات داخلی و خارجی منتشر شد و آنمکاش گسترده‌ای پیدا کرد و تا مدت‌ها به‌عنوان سندی مبتنی بر کشتن دانشجویان ارائه می‌شد. باطنی تا مدت‌ها به‌عنوان قهرمان جریان آشوب‌طلب تحویل گرفته می‌شد. مصطفی تاجزاده، معاون سیاسی- امنیتی وزارت کشور دولت اصلاحات بعدها در مصاحبه‌ای گفت: «در ۱۸ تیر کسی کشته نشد.»

اپیزود سوم: داخلی- ساختمان کاخ سفید

خرداد ۸۸ در تهران روزهای پرتلاطمی در حال سپری شدن است. دوقطبی انتخابات ریاست‌جمهوری شکل گرفته است. عده‌ای دستبند سبزر بر دست دارند و جمع دیگری پرچم ایران را به دست بسته‌اند! ۱۰ هزار کیلومتر از طرف‌تر در کاخ سفید وزیر خارجه آمریکا با احمد باطنی- فرد مشهور شده در غائله ۷۸- درباره اتفاقات بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری ایران برنامه‌ریزی می‌کنند. انگار قرار است اتفاقات خاصی در تهران بیفتد. آرایش رسانه‌ای بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان، صدای آمریکا و... هم همین پیام را دارد. سازمان منافقین هم در صدد فعالیت‌هایی در سطح تهران است و نیروهای امنیتی، آنها را رصد می‌کنند اما بی‌خبر از آنکه این بار عناصر داخلی، منافقین، عربستان سعودی و کاخ سفید همه با هم هدف زند اصل نظام را دارند.

اپیزود چهارم: داخلی- ستادانتخاباتی میرحسین موسوی در قیصریه

خیابان‌های شهر شاهد برگزاری انتخابات است. به دلیل ازدحام صف رأی‌دهندگان، انتخابات تا ساعت ۱۰ شب تمدید شده است و ناظران از احتمال تمدید انتخابات تا ساعت ۱۲ خبر می‌دهند. حالا ساعت ۲۰:۱۱ است. ستاد مرکزی میرحسین موسوی کنفرانس خبری با حضور رسانه‌های داخلی و خارجی برگزار کرده است. برخی اعضای اصلی ستاد نیز حضور دارند. میرحسین موسوی خود را پیروز انتخابات می‌نامد و اعلام می‌کند: «بر حسب اطلاعات واصله اینجانب در مرحله نخست، پیروز قطعی انتخابات هستم». موسوی می‌افزاید: «من با نسبت آرای بسیار زیادی برنده قطعی انتخابات هستم. اکثریت مردم به من رأی دادند. البته نتایج قطعی اعلام می‌شود و آنچه من گفتم نتایجی است که ما از استان‌ها و شهرستان‌های سطح کشور گرفته‌ایم». این خبر به سرعت در سطح رسانه‌های جهان منعکس می‌شود و ستادهای موسوی پیش از آنکه رأی‌گیری به پایان رسیده باشد و شمارش آرا شروع شده باشد بر طبل پیروزی می‌کوبند و شروع به جشن و پایکوبی می‌کنند.

ادامه در صفحه ۵



داستان سیاسی بورسیه‌ها
چه بلایی بر سر سرمایه‌های علمی کشور آورد؟

نخبه‌کشی!

دکتر حسین قدبانی

کند و هم‌اینک مقالاتش با بیش از ده‌ها مورد ارجاع، جزو معتبرترین منابع در حوزه تخصصی‌اش است، از سوی یک دانشگاه داخلی متهم به عدم صلاحیت علمی شده است! این در حالی است که این بورسیه مظلوم تنها ۳۰ سال سن دارد و بدیهی است در صورت امکان حضور و خدمت در دانشگاه می‌تواند سرمنشأ تحول و نوآوری بیشتر در حوزه تخصصی خود شود.

■ **تبعید یک نخبه به مناطق دورافتاده**

مورد دیگر مربوط به نخبه جوانی است که موفق به اخذ بورسیه تحصیلی از ۲۰ دانشگاه مختلف دنیا برای تحصیل در مقطع دکترا و پست‌دکترا، از جمله آمریکا و استرالیا شده است. وی یکی از دانشگاه‌های

بروز دیگر مربوط به نخبه جوانی است که موفق به اخذ بورسیه تحصیلی از ۱۵ مقاله علمی- پژوهشی در مقطع کارشناسی ارشد، دارای بیش از ۱۰ مقاله ISI در معتبرترین مجلات بین‌المللی، داور بیش از ۱۰ مجله تخصصی بین‌المللی و فارغ‌التحصیل یکی از دانشگاه‌های معتبر آلمان (رتبه زیر ۵۰ جهانی) است که درگیر کارشکنی‌ها و تنگ‌نظری‌های

دست رد به سپینه یک نخبه با پرونده‌ای پر بار دیگری که در اوج جوانی توانسته است بورس کامل تحصیلی به همسراه هزینه زندگی از یکی از دانشگاه‌های برتر انگلستان را دریافت کند و در همان سال به عنوان دانشجوی ممتاز مورد تقدیر قرار گرفته است، بیش از ۱۵ مقاله علمی- پژوهشی بین‌المللی به رشته تحریر درآورده، داور علمی در کنفرانس‌ها و مجلات پژوهشی بین‌المللی بوده و عضو نظام مهندسی در یکی از کشورهای مطرح اروپایی است اما در کمال تعجب فاقد صلاحیت برای عضویت در یکی از دانشگاه‌های دورافتاده کشور شناخته شده است.

■ **محرومیت ۲ ساله یک نخبه از خدمت در دانشگاه محل خدمت**

نخبه مظلوم دیگری که بالغ بر ۳۰ مقاله علمی- پژوهشی داخلی و بین‌المللی به همراه تالیف کتاب و ثبت اختراعی در کارنامه علمی خویش دارد و هم‌زمان با عضویت در بنیاد ملی نخبگان موفق به دریافت جایزه معتبر جهانی در حوزه تخصصی خود شده و از سوی دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی که رتبه زیر ۱۰۰ در جهان هستند، دعوت به همکاری شده، بیش از ۲ سال است از حضور در دانشگاه محل خدمت در یکی از استان‌های کشور محروم شده است.

■ **نخبه‌ای که پیشنهادهای جهانی را به‌خاطر کشورش رد کرد**

دانشجوی دیگری که توانسته بورسیه دکترا و فوق‌دکترا را از دولتی اروپایی دریافت کند، مخترع ۲ اختراع جهانی است که یکی از آنها تجاری شده و دیگری در دست تجاری‌سازی است. او همچنین دارای جایزه جهانی به‌خاطر ارائه یک فناوری پیشرفته و صنعتی است. بلافاصله بعد از دریافت جایزه جهانی پیشنهادهای مهمی از کشورهای مختلف به او می‌شود اما او با اعتماد کامل و با افتخار می‌گوید بازمی‌گردد به کشورم. دادلی پرامید و پرنشاط و با کوله‌باری از دانش و فناوری به کشور بازمی‌گردد تا به ملت خویش خدمت کند.

ادامه در صفحه ۵

زمان تشکیل دولت ملی مدرن در ایران مسبوق به سابقه است و در همه سال‌های بعد از انقلاب نیز تداوم داشته و هم‌اینک بسیاری از اساتید و نخبگان دانشگاه‌های کشور مفتخر به استفاده از آن هستند، در یک دوره خاص، این پروسه از طریق پروپاگاندای وسیع رسانه‌ای با هدف حفظ سلطه سنتی جریان تنگ‌نظر و فرتوت، به شکل حضور هزاران جوان نخبه متعهد، پرتوان و با نشاط در عرصه دانشگاه شد. جوانانی که بزرگ‌ترین گناهشان «جوان و متعهد بودن»، «باهوش و نشاط بودن» و «عدم وابستگی سیاسی» به جریان یا جناح خاص سیاسی بود. سطح بالای علمی و انگیزشی نخبگان جوان امکان رفع انحصارطلبی برخی اساتید قدیمی و در نتیجه ایجاد رقابت بین متقدمان و متاخران را

فراهم می‌کرد و نیروی جوانی این افراد در کنار تعهدشان می‌توانست بدنه اجرایی قابل توجهی برای سازمان‌های اجرایی فراهم آورد اما همه این «امکان‌ها» بعد از آتش هیاهوی گسترده و پوچ سیاسی تحت عنوان «جنگال بورسیه‌ها» به تلی از خاکستر تبدیل شد و جوانان مظلومی که به دلیل عدم وابستگی به جناح‌ها و صاحبان قدرت چپ و راست، هیچ حامی و فریادرسى نداشتند، کنج عزلت برگزیدند و آینده‌شان تباه شد. در حالی که آن اندک دانشجویان بورسیه که غیرقانونی بورس دریافت کرده بودند در این دولت نیز با همان شیوه استفاده از رانت، به اهداف خود رسیدند و در این میان صرفاً حق جوانان نخبه علمی پامال شد که به علت عدم وابستگی به قدرت ۴ سال است ندای‌شان به گوش کسی نمی‌رسد تا در نهایت مقام معظم رهبری در کمتر از یک ماه، ۲ بار به مظلومیت این جوانان اشاره کنند. مرور بخش کوچکی از افتخارات علمی و توانمندی‌های برخی از این نوابغ، اوج فاجعه سیاسی‌کاری و جنجال‌آفرینی‌های بی‌مورد پیرامون آنها و مظلومیت این عزیزان را برملا می‌کند

■ **سیاسی‌کاری یک دانشگاه با نخبه علمی**
نخبه جوانی که قبل از تعهد خدمت به وزارت علوم جمهوری اسلامی موفق به دریافت بورسیه دکترا از ۲ دانشگاه برتر سوئیس شده بود، با انتشار ۱۰ مقاله پژوهشی بین‌المللی (ISI) با ضریب تاثیر (Impact Factor) بالای ۵ موفق شده است با معتبرترین نشریات علمی- پژوهشی دنیا همکاری

و نفس مسیحایی‌خمینی کبیر نخبگانی در این سرزمین پرورانده شده‌اند که بهره‌گیری از توانمندی‌های انسان ایران را توانمندترین و قدرتمندترین در منطقه و جهان خواهد کرد. افسوس که آنها در لابه‌لای جنگ و جدل‌های بیهوده، یادیده نمی‌شوند یا آماج تهمت و تحقیر واقع می‌شوند.
جوانان نخبه‌ای که در داخل کشور بی‌مهری‌ها، تهمت‌ها و طردها را تحمل می‌کنند اما به پیشنهادات شغلی و مالی بهترین دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی خارج از کشور «نه» می‌گویند. حاضرند در ناملاپمات، مشکلات اقتصادی و بیکاری را تحمل کنند اما این خاک را رها نکنند. چون بریدن از ریشه‌ها، مام وطن، نظام اسلامی و رهبری عزیز برای آنان بسا مرگ‌ندریچی تفاوتی ندارد. می‌مانند و بسا مسافرکشی، حق‌الرحمه تدریس ساعتی و قراردادهای ناچیز پژوهشی روزگار می‌گذرانند اما نتوان دل‌کنسندن از این «جهان- زیست» را ندارند. لذا رد کردن پیشنهاد کار، اقامت و تحصیل در کشورهای اروپایی، کانادا و ایالات متحده با وجود تحیر دیگران، برای ایشان بسیار بدیهی است.
امروز منازعات کلامی، جنجال‌ها و افشاشگری‌ها از ویژگی‌های پایدار میدان سیاسی در جوامع مختلف است. در ساختارهای سیاسی مبتنی بر لیبرال- دموکراسی، این منازعات ممکن است شکل افراطی به خود بگیرد و تا سرحد ورود به حوزه خصوصی زندگی رهبران احزاب و سیاسیون و برملا کردن مسائل غیراخلاقی پیش برود. به‌طور معمول، کارکرد اینگونه افشاشگری‌ها، تخریب چهره و سلب اعتماد عمومی از حزب و جریان رقیب است اما نکته قابل توجه در این میان آن است که هیچ‌گاه این افشاشگری‌ها دامن مردم و شهروندان عادی را نمی‌گیرد. سیاسیون همواره یکدیگر را به باد انتقاد می‌گیرند و روش و منش طرف مقابل را زیر سوال می‌برند و این کار را تنها به قصد جلب اعتماد عمومی انجام می‌دهند اما اینکه شهروندان را هدف حمله و انتقاد قرار دهند تا رقیب سیاسی خود را بکوبند، پدیده‌ای نادر است که تنها در ایران امکان وقوع دارد! شهروندان عادی که بر خلاف صاحبان قدرت فاقد تریبون، رسانه یا نماینده مشخص بین‌حیات حاکمه هستند و خدای ناکرده چنانچه به هر دلیلی بخشی از زندگی‌شان، سوزه صاحب قدرت و سیاست شود، امکان دفاع از خود را ندارند و تا تظلم‌خواهی‌شان به فرجام رسد، هستی‌شان بر باد رفته است.

مصدق بارز قرار گرفتن در چنین موقعیتی، «بورسیه‌ها» هستند. در حالی که بورس افراد صاحب صلاحیت و توان علمی و عمومی از